

سرزمین خوزستان

تاریخ و مردم آن

ادیب‌الدین کسروی (ساسان)

www.ketab.ir



عنوان و نام پدیدآور: سرزمین خوزستان، تاریخ و مردم آن / ادیب الدین کسروی (سلسان).

مشتخصات نشر: تهران: ناهونته، ۱۴۰۲.

مشتخصات ظاهری: ۲۱۴ ص.: محور (رنگی)، عکس.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۹۱-۱۶-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: چاپ قبلی: ترنستان، ۱۴۰۰. (فیا)

یادداشت: کتابخانه: ص. ۲۰۹-۳۱۲.

موضوع: خوزستان -- تاریخ

History -- Khuzestan (Iran: Province)

خوزستان

Khuzestan (Iran: Province)

خوزستان -- تاریخ -- پیش از اسلام

History -- To Khuzestan (Iran: Province)

خوزستان -- جغرافیای تاریخی

Historical geography -- Khuzestan (Iran: Province)

رده بندی کنگره: ۹۷۲۰۱۷

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۵۷۴۴۸

یادداشت: رکورد کتابشناسی: فیا



انتشارات ناهونته

نام: سرزمین خوزستان، تاریخ و مردم آن
نویسنده: ادیب الدین کسروی (سلسان)

چاپ یکم: فروردین ۱۴۰۳

شناسه: ۸۰۰۰۱

شمارگان: ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۹۱-۱۶-۵

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ترنج
طرح جلد: سیاوش برادران

مورخین کے ہاں - ادب الہی کی کسوٹی پر

درآمد..... ۱۱

فصل نخست..... ۱۹

فصل دوم - آریایی‌ها..... ۲۷

ایلام - عصر نخست..... ۲۷

دوره دوم ایلام هل تم تی..... ۳۰

دوره سوم ایلام..... ۳۱

عصر دوم ایلام - دوران پراکندگی..... ۳۲

فرگرد سوم کوچ و افغان به سرزمین خوزستان یا بردگان اسیر..... ۳۸

۱- برده‌های اسیر تا آغاز ششماه‌های هخامنشیان..... ۳۸

۲- دوران هخامنشیان تا اسلام..... ۴۰

قسمت دوم اسکندر و جانشینانش..... ۴۱

قسمت سوم - اشکانیان..... ۴۲

قسمت چهارم ساسانیان..... ۴۳

وضع برده و اسیر پس از اسلام..... ۴۶

فرگرد چهارم - بازماندگان مهاجم..... ۴۷

۱- اسکندر و جانشینانش..... ۴۷

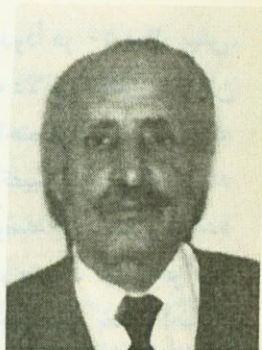
۲- تازیان..... ۴۸

چه شد که تازیان به خیال حمله به ایران افتادند..... ۵۲

عاقبت تازیان..... ۵۴

۳- ترکان مهمانان ناخوانده..... ۵۵

شادروان ادیب‌الدین کسروی متخلص به
ساسان، شاعر و نویسنده و تاریخ‌نگار دوران
کنونی، فرزند میرزا نصرالله خان ملک‌الادب
صوری، در ۱۲۸۸ خورشیدی در تهران زاده
شد و در ۱۳۶۰ در همین شهر جان به جان
بخش سپرد و نوشته‌های تمام و ناتمام
بسیاری از خود به جای گذاشت که کتاب
حاضر یکی از آنان است. کتاب‌های دیگر وی



عبارتند از «تاریخ شعر پیش از اسلام» (در دست چاپ)، «بنیاد تمدن آریایی در میان رومان» (که خلاصه‌ای از آن در نشریه‌ی وزارت فرهنگ هنر وقت ۱۳۴۹ به چاپ رسیده)، «تاریخ خوزستان در زمان ساسانیان» (چاپ نشده)، دیوان اشعار (چاپ نشده) و بسیاری مقالات تحقیقاتی در زمینه‌های تاریخی، ادبی و حوزه‌ی زبان و ادبیات در نشریات معتبر فرهنگی و نیز اقدامات متنوع فرهنگی از جمله تاسیس انجمن ادبی اهواز و تاسیس کتابخانه شماره دو در این شهر که به کوشش و همت وی انجام شده، بخشی از دستاوردهای وی در این استان است.

علاقه نامبرده به تاریخ ایران و بالاخص خوزستان، که از سال ۴۵ تا ۵۹ در مرکز آن اهواز می‌زیسته، در جای جای کتاب حاضر پیداست و بی‌نیاز از تعریف است. شایسته‌ی ذکر است که بسیاری از منابع این کتاب از طریق تحقیقات میدانی و تماس وی با وجوه محلی و بزرگان عشایر جایگیر در خوزستان به دست آمده و در مواردی هم که به ذکر شواهد و قرائن نیاز بوده، به مراجع تاریخی متعدد و معتبر دست نیاز یازیده که در متن کتاب مشخص است.

روانش شاد و به دعای مردم شریف خوزستان، در آرامش ابدی باشد.

کتابی که در پیش رو دارید، کتابی است که حدوداً در ۵۰ سال پیش، در یک بازه‌ی زمانی نسبتاً طولانی نوشته شده و به دلایلی امکان چاپ آن در این زمان فراهم آمده است. طبیعی است که احتمال فراوان دارد که تاکنون در اوضاع و احوال ایل‌ها و عشایر و نام‌ها تغییراتی صورت گرفته باشد. بعضی نام‌ها نیز ممکن است از روی دست‌نوشته به درستی خوانده نشده باشد. از خوانندگان محترم تقاضا داریم که در صورت دیدن هرگونه اشکال، مطلب را با ناشر در میان بگذارند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.

www.ketab.ir

منابع زندگی چشم پوشیده خودشان را به خوردن میوه‌های جنگلی عادت داده و نفس خویشتن را به زندگی سخت کوهستانی آرام و قانع سازند.

کوه‌نشینان خوراک و پوشاک خود را از شکار حیوانات وحشی تامین می‌کردند و به علت گوشت‌خواری، ددمنش و بی‌رحم بار می‌آمدند. نظام خلقت و قانون طبیعت پیکر و عضلات آنان را نیز محکم‌تر و قوی‌تر می‌ساخت و طی مردم دشت که تلاش جمعی کمتر داشتند و یکباره خواری و محصول درختان عادت کرده بودند دارای اندامی ضعیف‌تر و عضلاتی نرم‌تر بودند آنها کمبود نیروی بدنی خود را بیاری ترشحات مغزی اندیشه و تدبیر و تفکر در امور و پیش آمدها جبران می‌کردند و چون ساکنان دشت دارای منابع ارزنده و مفید بودند بوجود آورندگان آن تمدن در طول زمان همواره متحمل حوادث خونین و ناگوار گردیده‌اند.

اصولا کدام سرزمین است که سیل حادثه بنیاد و آرامش و تمدن آن را زیر و رو نساخته باشد سرزمین خوارستان که واجد بهترین شرایط زندگی بوده قطعا بیش از سایر مناطق آسیب نجات و تاز و غارت و کشتار بخود دیده است.

اکتشافات ارزنده که در دل خاک و اعماق زمین خوزستان می‌شود زبان
نیاکان ما در این مرز و بوم است که تمدن و فرهنگ درخشان دیرین را
برای فرزندان امروز خود بازگو می‌کند.

بسیاری از تاریخ نویسان جلگه خوزستان باستانی را که شامل قسمت جنوبی رودان نیز بوده هند شمالی خوانده‌اند گذاشته از مدارک موجود و مستندات مسلم تاریخی، وجود بسیاری از جاها با ترکیب کلمه هند و اند موید این گفتار است و لغات سند و اند و هند به معنی آب و رودخانه است.^۱

^۱ مسعودی، مرآت البلدان، جلد ۱، ص ۴۶۹ به نام اندیان (هندیان) اشاره کرده است و گفته که هند جنوب ایران است.

شاید تسمیه خوزستان به هند شمالی از جهت شباهت سرزمین پر آب و درخت آن با ناحیه پنجاب هندوستان بوده و این نام را سومری‌ها بدین مرز و بوم داده‌اند. آثاری وجود دارد که گروهی از دریانوردان سومری از سرزمین پنجاب بوسیله کشتی‌های بادبانی خود از کرانه‌های دریای عمان و خلیج فارس گذشته و خوزستان را زودتر از سایر اقوام و ملل آریایی کشف کرده و در خاک آن پیاده شده‌اند.

از آنجا که این آب و خاک را از لحاظ مناطق طبیعی کاملاً مشابه سرزمین خود یافتند آنها هند شمالی نامیده با آن انس گرفتند و بسیار در آبادانی و بهسازی آن کوشیدند.

دلیل دیگر گفتار و نذیدات در فصل اول است چون هنگامی که از آفرینش کشورهای آموذی نام می‌برد سرزمینی را بنام هپته هندو می‌خواند مقصود از این سرزمین بی شک خوزستان است و آنان که ذهنشان به جاهای دیگر رفته قطعا نمی‌توانند زیرا اگر مقصود هند بود کلمه هپته در مقدم آن بی جا بود تاکید کلمه هپته هفت برای امتیاز خوزستان بر پنجاب است زیرا این نواحی است که دارای هفت رودخانه است.

کرخه - دز - کارون - مارون (تاب) - هندیان (زهره) و دجله و فرات - نام حوالی این هفت رودخانه را هرپته هند و می‌گفتند.

قرینه دیگری در واقعیت این نظریه است که بلافاصله پس از وصف هپته هند و به ناحیه سرچشمه رنگها می‌پردازد که سرزمین بختیاری است و کوهرنگ رهبر مقصود است.

دلیل دیگر نوشته‌های مندرج در فصل اول و نذیدات است که تفصیل آن را در وصف سرزمین بختیاری خواهیم گفت در اینجا همین قدر یادآور می‌شویم که سرچشمه رنگها قفقاز یا هندوستان یا آمودریا یا سیردریا یا شمال فرات بوده که هریک از خاورشناسان به سلیقه خود پسندانه عنوان و توضیح اینکه آنها از خود شاه ندارند خلاف واقع بود.

در این دو سه قرن که آشور بالای جان تمدن اقوام و ملل شده بود پریشانی و آشفتگی عجیبی در میان همسایگان آشور پدید آمده بود و اقوام و ملل بسیاری از این زمام گسیختگی نتیجه‌گیری کردند.

آلبانی‌ها که خود را گوتی می‌خواندند در این مرز و بوم پدیدار گشتند و تصور می‌رود این قوم گروهی از همان پراکنده شدگان زمان شکست ایلام از بابل بودند و در واقع گروه متشکلی از ایلامی‌ها بوده‌اند زیرا زبانشان با ایلامی خویشاوندی نزدیک دارد و از نوشته‌هایی که به زبان خوزی - (سوزیان) باقی مانده این نزدیکی آشکار است.

آلبانی‌ها (کوه نشینان) نامشان بگونه‌ای پی در پی در کتیبه آشوری آمده است چنین (ال - کوه - ب یا پد [علامت جمع ایلامی] - ان نسبت - آلبانی یا الی‌پی) می‌گویند. سارگن دوم در ۷۱۳ ق م به بهانه‌ای به ماد و الی‌پی لشکرکشی کرد و بارها در نوشته اضافه می‌کند که «کشور ماد در مرز الی‌پی است... آنها که یوغ» (عراق آشور) را فرو افکندند و به کوه‌ها و بیابان‌ها مانند دزدان روی آوردند».^۲

از این عبارت معلوم می‌شود اشاره به پراکنده شدن ایلامی‌هاست. نام دیگر الی‌پی‌ها بگونه آریبی - آرابوا آری‌په - الی‌بی نیز آمده که همه به معنی کوه نشین است این قوم از همان تیره‌های ایلامی هستند که با مادها نیز از یک نژادند و با گله‌داری و کوچ نشینی زندگانی می‌کردند.

آشوریان مدعی هستند که در سال ۸۰۲ پیش از میلاد بر الی‌پی و ماد لشکرکشی کرده‌اند به گفته کتسیاس سه یرامید - سمیرامیس ملکه آشور به نقاط دور دست حتی باکتریا لشکر کشیده جنگ کرد و به تحقیق منظور از باکتریا سرزمین ایلام و شکاف‌های جبال زاگرس بوده که مردم آن بختی و بختیاری نام داشته‌اند و قطعاً باکتریای خراسان بزرگ و بلخ نبوده است زیرا او هرگز نمی‌توانسته به سرزمین چنین دور افتاده‌ای لشکرکشی

^۲ تاریخ ایران، مشیرالدوله جلد اول ذیل تاریخ اکد

کند. با این توضیحات معلوم شد که اقوام کوه‌نشین و پناهندگان اشکفت زاکرس از تیره‌های ایلامی بنام‌های گوناگون تشکیل یافته بود توضیح بیشتر آن در تعریف تاریخچه بختیاری گفته خواهد شد.

گروه دیگری از ایلامی‌ها پس از غارت بطرف جنوب شرقی خوزستان گریختند که بنام شول‌ها^۴ معروف بودند شول‌ها که در سرزمین سولستان و ماشول (بندری که امروز بنام ماهشهر نامیده می‌شود و پیش از این معشور نام داشت) زندگی می‌کنند از نژاد آریایی هستند که شاخه‌ای از آنان چون اسب پادشاهان را در قسمت شمالی و کوهستانی آن منطقه نگاهداری می‌کرده‌اند به شانکاره معروف شده‌اند.

www.ketab.ir

شول - بیابان و صحرائی خشک بی و آب و علف و ماشول و ماجول بیابان بزرگ، ساکنان آنجا را نیز ظاہرا شول می‌گفتند.